تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۹/۰۲/۲۸
تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۰/۰۶/۳۱

علیرضا شیخی[۱]، الهه رضانژاد یزدی[۲]، عطیه جهانیان[۳]

مطالعه ویژگی‌های هنری و فنی انگشتری در دوران سلجوقی، تیموری و صفوی

چکیده

انگشتری‌ها ازجمله زیورآلاتی است که مختص به طبقه‌ای خاص از جامعه ایرانی نبوده و توده مردم باز آن استفاده کرده‌اند. انگشتری‌ها دارای کاربردهای گوناگون بوده و شامل انگشتری‌های زینتی، مذهبی و ایمانی، کاربردی و مهر انگشتری است. هدف، شناخت ساختار بصری و محتوای انگشتری‌های دوره‌های سلجوقی، تیموری و صفوی به‌عنوان سه دوره درخشان در هنر فلزکاری است. شیوه ساخت، فرم، تزیینات انگشتری‌ها چه سیر تحولی را پشت سر گذاشته است و چه محتوایی بر آنها حکاکی شده است؟ روش تحقیق، توصیفی، تحلیلی و تطبیقی و جمع‌آوری داده‌ها با تکیه بر مطالعات کتابخانه‌ای و میدانی است. یافته‌ها نشان دارد دوره سلجوقی را باید دوران نوآوری دانست. انگشتری‌ها در این دوره از لحاظ طراحی شامل نقوش گیاهی، حیوانی، انسانی، همچنین کتیبه‌نگاری با قلم کوفی و نسخ می‌باشد. سنگ‌های عقیق، فیروزه، یاقوت ارغوانی، مروارید و لعل با برش‌های مدور، برجسته و گنبدی، آراستگی به انگشترهای این عصر بخشیده‌اند. عصر تیموری دوره گذار از سبک پرتکلف سلجوقی به عصر مدرن صفوی است. انگشتری در این دوره با ورود فرم‌های مختلفی چون قطره اشکی و ماری (اژدر) دچار دگرگونی شده و صنعت زینت‌سازی پیشرفت داشته است. در عصر صفوی به سبب حضور جواهرسازان اروپایی در دربار، زرگران با فنون رایج و سبک‌های زیورآلات اروپا آشنا شدند. کاربرد نگین فیروزه برای تزیین انگشتری‌ها بسیار رواج داشته است و نگین‌ها اغلب با مضامین شیعی، اسامی ائمه معصومین با تأکید بر نام علی (ع) آراسته شده‌اند همچنین این دوره را باید اوج به‌کارگیری خطوط نسخ و نستعلیق در تزیینات انگشتری‌ها دانست.

واژگان کلیدی: انگشتری، سلجوقی و تیموری و صفوی، رکاب و نگین.

[۱] استادیار دانشکده هنرهای کاربردی، دانشگاه هنر، شهر تهران، ایران (نویسنده مسئول)
Email: a.sheikhi@art.ac.ir
[۲] کارشناس ارشد تاریخ و تمدن ملل اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی مشهد، شهر مشهد، ایران
Email: E.Rezanejad60@yahoo.com
[۳] کارشناس ارشد هنرهای اسلامی، موسسه آموزش عالی فردوس، شهر مشهد، ایران
Email: Atiyeh.jahaniyan@gmail.com

مقدمه

انگشتری‌ها در طی قرون متمادی با کارکردهای مختلفی چون مُهر انگشتری، تزیینی، مذهبی یا اعتقادی در زندگی مردمان کرد خاصی یافته است و از نمونه‌های ارزشمند فلزکاری است که در فرم‌هایی متنوع با سبکی خاص در سیر تاریخ هنر اسلامی ایران ساخته و پرداخته شده است. هنرمندان در دوره‌های سلجوقی، تیموری و صفوی با توجه به اندیشه، مذهب و تمایلات فرمانروایان و علایق مردمان عصر خویش با رویکردی نو به ساخت انگشتری‌ها بر اساس مقتضیات زمان خویش پرداختند. در این رهگذر با خلاقیت خویش و تلفیق شیوه‌های جدید و الهام از تجربیات گذشتگان آثاری نفیس پدید آوردند. در طول ادوار گوناگون برخی انگشتری‌ها با ظاهری ساده، برخی مرصع به سنگ‌های قیمتی از جمله لعل، فیروزه، عقیق، یاقوت و برخی مزین به حکاکی، برجسته‌کاری و سیاه‌قلم با نقش‌مایه‌های گوناگون و مفاهیمی نمادین با اسلیمی‌ها و اشکال جانوری آراسته شدند . نقش و تزیین انگشتری در هر دوره تاریخی متأثر از ارتباطات و تعاملات اقوام و اندیشه‌های جاری در بستر جامعه بوده است. یکی از مؤثرترین راه‌ها در پی‌بردن به مهم‌ترین تغییرات اعمال‌شده بر فرم، نقوش و محتوای به‌کاررفته در انگشتری‌های ایران جمع‌آوری و بررسی آثار، طبقه‌بندی، نام‌گذاری و تحلیل شکل و کاربرد آنان در دوره‌های مورد نظر بوده که هدف این مقاله است. پژوهش حاضر تلاش کرده است تا با بررسی نمونه‌های برجای‌مانده از انگشتری‌ها به شناخت سبک، فرم، تزیینات و محتوای نقش‌بسته بر انگشتری‌ها در سه دوره سلجوقی، تیموری، صفوی دست یابد؛ و در پی پاسخ بدین پرسش‌هاست: شیوه ساخت، فرم و تزیینات انگشتری‌های در سه دوره مذکور چه سیر تحولی را پشت سر گذاشته است و چه محتوایی بر انگشتری‌ها کنده‌کاری و حکاکی شده است؟

روش پژوهش

پژوهش به لحاظ هدف، بنیادی بوده و روش تحقیق، توصیفی، تطبیقی و تحلیلی است. جامعه آماری به منظور دستیابی به نتایج مناسب، انگشتری‌های ایرانی موجود در موزه‌های بریتانیا، متروپولیتن، مجموعه شخصی بنجامین زاکر و ناصر خلیلی، نیز مطالعات کتابخانه‌ای است. روش نمونه‌گیری، هدفمند بوده و از مدل با قابلیت معرف‌بودن و شیوه موارد بارز و موارد مرزی و انتهایی برای قابلیت تعمیم موضوع استفاده شده است. از این رو شصت و چهار انگشتری انتخاب شد: بیست و دو انگشتری از دوره سلجوقی، بیست و سه انگشتری از دوره تیموری و نوزده عدد از دوره صفوی. آثار منتخب در سه مرحله ارزیابی و دسته‌بندی شدند. ابتدا انگشتری‌های هر دوره به لحاظ سبک و شیوه کار دسته‌بندی، سپس به ویژگی‌های ظاهری شامل کتیبه‌ها و نقوش پرداخته شد. در نهایت مقایسه ساختار بصری آثار مدنظر قرار گرفت.

پیشینه پژوهش

پژوهشگران در این حوزه از سه دیدگاه به موضوع انگشتری در دوران اسلامی پرداخته‌اند: گروه اول نقش و فرم انگشتری را مدنظر داشته‌اند. مارلین جنکینز و مانوئل کن(۱۹۴۱) در کتاب جواهرات اسلامی در موزه هنر متروپولیتن به بررسی تعداد اندکی از انگشتری‌های ایرانی از منظر سبک و فرم در کنار جواهرات اسلامی پرداخته‌اند. کتاب انگشتری‌های ماریان ونزل(۱۳۸۶) از بهترین کتب مرجع درزمینه‌ی انگشتری‌های اسلامی است که با بررسی انگشتری‌های ایرانی در کنار سایر انگشتری‌های کشورهای اسلامی اطلاعات

ذی‌قیمتی را به ما ارایه می‌دهد. آزیتا ابنوی (۱۳۹۰) در پایان‌نامه کارشناسی ارشد به‌عنوان «بررسی طرح و ساخت زیورآلات در دوره سلجوقی و محدوده متأثر از آن» به بررسی کلی انگشتری‌ها در کنار دیگر زیورآلات در دوره سلجوقی پرداخته است. همچنین پایان نامه شیرین کاظمی(۱۳۹۷) با عنوان «مطالعه تطبیقی انگشترهای دوران سلجوقی با صفویه از نظر ساختار و کاربرد با هدف طراحی انگشتر برای دوران معاصر» در مقطع کارشناسی ارشد فقط به بررسی انگشتری های این دوره و کاربرد آن در عصر حاضر پرداخته است. سمیه اربابی و همکاران(۱۳۹۲) در مقاله بررسی روند تکامل زیورآلات ملیله از دوران هخامنشی تا سلجوقی در مجله پژوهش هنر به بررسی هنر ملیله در زیورآلات پرداخته‌اند اما به انگشتری‌ها و سیر تحول آنان نپرداخته است. فریبا غروی منجیلی و نجمه دستغیب(۱۳۸۹) در مقاله بررسی تداوم سنت در تزیین رکاب انگشتری‌ها در دوره معاصر در مجله هنر علم و فرهنگ به بررسی رکاب و تزیینات آن در دوره معاصر پرداخته‌اند. دسته دوم نگرشی تاریخی دارند. محمد زارعی(۱۳۷۸) در مقاله «انگشتری در اسلام» مجله فرهنگ کوثر به اهمیت انگشتری و مضامین نقش بسته بر انگشتری‌های ائمه و پیامبر اکرم (ص) پرداخته است. محمدصادق میرزا ابوالقاسمی(۱۳۹۴) در مقاله مهر انگشتر سلاطین متأخر صفوی در مجله گنجینه اسناد به جنبه تاریخی و کاربرد این نوع انگشتری‌ها در دیوان اداری دربار پرداخته است. گروه سوم کارکرد در قالب مهر و جایگاه اجتماعی آن مطالعه نمودند. فروغ سلطانیه(۱۳۷۴) در مقاله انگشتری و کاربردهای آن در مجله فرهنگ، ادبیات به بررسی کاربردهای متنوع انگشتری در فرهنگ ایرانی پرداخته اما به شیوه‌های ساخت و تزیین انگشترهای در دوره اسلامی اشاره‌ای نشده است. محمد الولی(۱۳۴۶) در مقاله مهر تا انگشتری در مجله الدراسات الادبیه به کاربردهای انگشتری در بین مردم و مهر انگشتری‌های اسلامی پرداخته است.

واژه انگشتری و کاربردهای آن

واژه انگشتری و انگشترین از اصطلاحات کاربردی در قرن چهارم است اما کلمه انگشتر ظاهراً در عهد صفویه رایج و متداول شده است(دهخدا، ۱۳۷۷: ۳۵۹۵). انگشتری‌ها در آغاز برای بیان احساسات قلبی، محبت و قدردانی به افراد هدیه می‌شد زیرا شکل دایره‌ای آن نماد دوام و بقاست و همچنین به‌عنوان زیوری برای اظهار تشخص، افتخار به جاه و ثروت به‌کاربرده می‌شده است(الولی، ۱۳۴۶: ۸). انگشتر در فرهنگ ایرانیان زینتی است که دارای زیبایی ظاهری و هم زیبایی باطنی است(رنجبران تهرانی،۱۳۸۴: ۴۰) انگشتری‌ها از جمله زیورآلاتی است که مختص به طبقه‌ای خاص از جامعه ایرانی نبوده و توده مردم با بهره‌گیری از آلیاژهای متنوع به ساخت و کاربرد انگشتری می‌پرداختند. انگشتری‌ها درگذر زمان دارای کاربردهای مختلفی به شرح ذیل هستند: ۱- انگشتری‌های زینتی: برخی مشخصاً مصرف زینتی داشته و نشان‌دهنده تمکن مالی فرد بوده است. ۲- انگشتری‌های مذهبی و ایمانی: بر روی اینها کتیبه‌های مذهبی یا طلسم ترسیم شده است. نقش روحانی انگشتری‌ها آنگاه روشن‌تر می‌شود که در برخی نمونه‌ها فقط دعا به درگاه خداوند و پیامبر و ائمه شیعه حک‌شده است(ونزل، ۱۳۸۶: ۱۰).۳- انگشتری‌های کاربردی: که می‌توان به انگشتری کمانداران یا انگشت دانه‌ها اشاره کرد (همان: ۱۰۶). ۴- مهر انگشتری[1] این‌گونه انگشتری‌ها برای مهر اوراق و اسناد مهم به‌کاربرده می‌شد(سلطانیه، ۱۳۷۴: ۱۹۵) و اغلب شاه، درباریان، تجار و علما از آن استفاده می‌کردند[2].

باور ایرانیان در نگین انگشتری

نگین‌ها از اجزاء اصلی هر انگشتری است که جلوه و نمود خاصی به آن می‌بخشد و در ادوار مختلف استادکاران از سنگ‌های قیمتی چون عقیق، یشم، فیروزه و ... برای تزئین انگشتری‌ها استفاده می‌کردند. در ایران باستان برای سنگ‌ها و مهره‌ها خواص درمانی ویژه‌ای قائل بودند؛ «خداوند یاقوت را در روز نوروز از برای زینت مردمان بیافرید. زبرجد، را روز مهرگان وهمان‌گونه که این دو روز بر سایر روزها فضیلت دارد، این دو جواهر بر سنگ‌های دیگر برتری دارند» (پور داود، ۱۳۷۷: ۳۹۸). در متون اسلامی برای نگین‌ها و سنگ‌ها خواص درمانی متعددی قائل بودند و آنان را ابزاری برای دفع چشم‌زخم، درمان بیماری‌ها، احترام و ثروت برای صاحب انگشتری می‌دانستند(فراحمدی، ۱۳۹۱: ۶۱). نگین عقیق از دیرباز در نزد ایرانیان باستان (هزاره سوم قبل از میلاد) بسیار محترم بود و به آن (سیکابروش) می‌گفته‌اند(همایون فرخ، ۱۳۴۹: ۳۱) و برای دفع شر و امراض آن را استفاده می‌کردند.. در دوره اسلامی نیز سنگ عقیق به سبب سفارش پیامبر (ص) و ائمه اطهار در میان عامه مردم از احترام خاصی برخوردار بود. در باور ایرانیان نگین فیروزه جهت رفع چشم‌زخم بوده است و مرغوب‌ترین نوع فیروزه به رنگ آبی آسمانی و یکدست است(مین و تشنگام، ۱۳۵۵: ۴۴). سنگ یشم در دوره سلسله تیموری متداول گردید. در فرهنگ نفیسی آمده است که: «یشم فارسی سنگ قیمتی است که از چین یا هند آرند هر که با خود دارد از آفت برق ایمن باشد»(نفیسی، ۱۳۴۳: ۴۳۵). و در جواهر نامه چنین می‌خوانیم: «در دفع صاعقه و طاعون آیت است و هر که با خود داشته باشد از علت بواسیر خلاص باشد»(طوسی، ۱۳۶۴: ۲۲۶). محمد همدانی در کتاب عجایب نامه درباره‌ی یاقوت می‌گوید که: «هرکه یاقوت با خود دارد از طاعون ایمن بود و از خمد و سکته و صرع ایمن بود»(همدانی، ۱۳۷۵: ۳۹۲).

ساختار انگشترهای عصر سلجوقی (فرم و تزیین)

با آغاز حکومت سلجوقیان(۵۵۲ - ۴۲۹ ه.ق) و حمایت سلاطین ترک از هنر و هنرمندان فلزکاری با قالب ایرانی - اسلامی در شهرهای ایالات خراسان، طبرستان و فارس[۳] به اوج کمال خود رسید[۴]. طرح‌های تزیینی در این دوره شامل نقوش گیاهی[۵]، هندسی، حیوانی[۶]، انسانی و نقش‌مایه‌های پیکره‌ای شامل موجودات مافوق طبیعی(ققنوس‌ها، اسبان شاخ‌دار) همچنین کتیبه‌نگاری با قلم کوفی و نسخ[۷] زینت‌بخش آثار این دوره شدند(جدول ۲) و ساخت زیورآلات و گوهرشناسی پیشرفت فراوانی کرد (دیماند، ۱۳۶۵: ۵). زیورآلات این دوره اغلب از جنس طلا، نقره و مفرغ است (Ferrier,1989:191). کتیبه‌های این دوره بیشتر به خط کوفی است اما در برخی از انگشتری‌ها خط ساده نسخ نیز به چشم می‌خورد(اتینگهاوزن و گرابر، ۱۲۷۸: ۴۷۷). در این دوره جواهرات نفیس و ارزشمندی شامل گوشواره، سینه‌بند، دستبند و خلخال با فن مشبک، نقش‌برجسته یا ملیله‌کاری زینت شده‌اند(دیماوند، ۱۳۶۵: ۱۳۸). به نظر می‌رسد که انگشتری‌های این دوره با سنگ‌های از عقیق گلگون، فیروزه، یاقوت ارغوانی، مروارید و لعل با برش‌های مدور، برجسته و گنبدی شکل تزیین شده‌اند(جدول ۳). در این دوره فرم‌های پایه بلند، ری، شش‌وجهی و تکه‌کاری پدید آمدند که به شرح و تحلیل آن پرداخته می‌شود:

۱- پایه‌بلند: فرمی از انگشترهاست با پایه نگین‌های بلند و گریبانی بسیار باریک بر روی حلقه‌های نازکی(زکی، ۱۳۶۳: ۶۱). که خود ریشه در دوران گذشته ساخت انگشتری ایران داشته است[۸] و نشأت‌گرفته

از مهره‌های مخروطی شکل هستند(Ferrier,1989: 191). اغلب جنس انگشتری‌ها از طلا و نقره بود، اما در برخی از نمونه‌های انگشتری که به روش دو پوسته ساخته می‌شدند، در لایه زیرین (هسته انگشتری) آهن یا نقره و در لایه رویین ورقه‌های از جنس طلا یا نقره به چشم می‌خورد. در این فرم نشانی از تزیینات پرتکلف دوره سلجوقی یافت نمی‌شود و حلقه‌های مفتولی باریک حامل پایه نگین بلند با اشکال هندسی چهارگوش و گرد می‌باشند. در اغلب موارد این انگشتری‌ها کاربرد مهر انگشتری دارند و کتیبه‌های با اسامی اشخاص و عباراتی چون (عبدالله ابن احمد) در (تصویر ۱) و کتیبه‌های فارسی چون (علی ماهرنگ) در (تصویر ۳) بر روی نگین‌های چهارگوش از جنس یاقوت ارغوانی نقش بسته است. از دیگر نمونه‌های این سبک با تفاوت ظاهری انگشتری (تصویر ۲) با پایه نگین کوتاه و چهارگوش از ورقه طلا که نگین هرمی شکل از جنس یاقوت ارغوانی را پنجه‌های ظریف کنگره‌ای شکل در برگرفته و با روش لحیم‌کاری به حلقه متصل شده است.

تصویر۱- طلا، قرن۶،
khalili, 2006: 50

تصویر۲- طلا، قرن۶
ونزل، ۱۳۸۶: ۵۰

تصویر۳- نقره، قرن۶
ونزل، ۱۳۸۶ : ۵۰

تصویر۴- نقره، قرن۶، ونزل، ۱۳۸۶: ۵۱
ترسیم از نگارندگان

۲- ری: اصطلاح «سبک ری» در عصر سلجوقی به انگشترهای با تزیینات فراوان ظریف و پایه نگین‌های پهن مزین شده به سنگ‌های فیروزه اطلاق می‌شد که تا قبل از حمله مغولان در شهر ری ساخته می‌شده است و بعد از حمله به‌یکباره ساخت این نوع انگشترها متوقف شد(ونزل، ۱۳۸۶: ۱۵۵). از مشخصه‌های این فرم تعدد پنجه‌های باریک (مانند دندانه‌های شانه) همچنین نقش و نگارهای زیبا و ظریف در قسمت گریبان نگین و شانه‌ها است(وارد، ۱۳۸۴: ۲۲). این فرم دارای حلقه‌ای پهن‌تر نسبت به انگشتری‌های پایه‌بلند است(تصویر ۵) و به‌اصطلاح امروزی به رکاب فیلی نزدیک‌تر است. فضای وسیع میان دو سمت برخی انگشتری‌ها با عناصر تزیینی هندسی و گیاهی ظریفی پرشده است و جنس اغلب آنان از طلا است.

مخراج کاری نگین نیز توسط دندانه‌های کوچک و بزرگ و همسو با جهت رو به بالای انگشتری اجراشده که بنا به ذوق هنرمند اندازه نگین با فشردگی، کشیدگی یا تنگی همراه است. در این فرم انگشتری‌ها پایه و رکاب با نقوش پرندگانی چون اردک و طاووس (تصویر۸) ، برگ‌های نخل و گل‌های پیچک (تصاویر ۵ و ۶) و با کتیبه‌های (بالیمن و البرکه) مزین شده است (ونزل، ۱۳۸۶ :۵۳).

تصویر۵- طلا، قرن ۶، ونزل، ۱۳۸۶: ۵۵

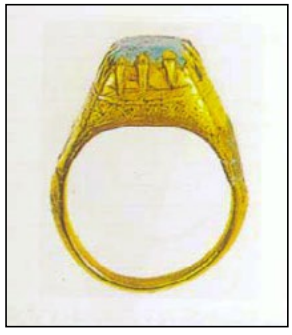

تصویر۶- طلا، قرن ۶، هیلین براند، ۱۹۸۹، ۸۹

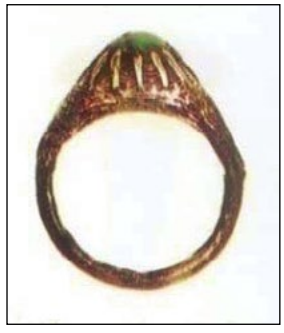

تصویر۷- نقره، الن،۱۹۸۲، ۴۰
ترسیم از نگارندگان

تصویر۸- طلا، ونزل، ۱۳۸۶: ۵۳

۳- شش‌وجهی: این فرم انگشتری تا قبل از دوره سلجوقی در ایران متداول نبوده است و در قرن ششم ه.ق. ساخت این نوع انگشتری موردتوجه و پسند عامه مردم قرار گرفت. با نگاهی به فرم انگشتری می‌توان الگوی اصلی آن را در حلقه‌ها و طرح‌های یونانی و رومی مشاهده کرد (Keene & kins, 1983: 62). اما دقیقاً مشخص نیست که این طرح چگونه به هنر انگشترسازی اسلامی راه پیدا کرده است. از مشخصه‌های این فرم انگشتری کاربرد طراحی هندسی سطح نگین همراه با پایه نگین منقش به نقوش انسانی و حیوانی، همچنین تزییناتی به‌صورت دانه‌دانه‌کاری[۹] در سطح نگین است. (تصویر ۹). تکنیک ساخت این‌گونه انگشتری‌ها به روش ریخته‌گری و بر سطح حلقه‌هایی به‌نسبت پهن آن‌ها با فن سیاه‌قلم و تکه‌کاری‌های ظریف به زیبایی پوشیده شده است. جنس این انگشتری‌ها از طلا، نقره و مس است و اغلب این‌گونه انگشتری‌ها فاقد نگین یا به‌ندرت نگینی از جنس فیروزه بر روی پایه حلقه آن به چشم می‌خورد. این انگشتری دارای تزییناتی اسطوره‌ای و خیالی چون نقوش سر زن با گیسوان بلند در چهارگوشه انگشتری (تصویر ۹)، زنی با کلاه (تاج) با دو بدن جداگانه (تصویر ۱۰) و نقش سَرِ زن با چنگ و بال پرندگان(هارپی) که بر پایه نگین و رکاب‌ها حک‌شده است. از دیگر نمونه‌های این فرم که دارای کتیبه‌نگاری است می‌توان به (تصویر ۱۱) اشاره کرد که بر سطح نگین انگشتری و در میان نقوش هندسی عبارت (وفابه) نقش بسته است.

تصویر ۹: طلا، قرن ۶، ونزل، ۱۳۸۶: ۸۲
ترسیم از نگارندگان

تصویر۱۰: طلا ، Jenkins, 1983: 63

تصویر ۱۱: نقره، ونزل، ۱۳۸۶: ۵۶

تصویر ۱۲: نقره ، Error! Hyperlink reference not valid.
ترسیم از نگارندگان

۴- تکه کاری[10]: این روش در قرن چهارم و پنجم ه.ق. آرام‌آرام جای خود را در میان فرم‌های انگشتری باز کرد و در قرون ششم و ابتدای هفتم ه.ق به اوج شکوفایی خویش رسید (ونزل، ۱۳۸۶: ۴۷). به نظر می‌رسد با حمله مغولان به ایران فرم تکه‌کاری و شش‌وجهی به آرامی به فراموشی سپرده شد(وارد، ۱۳۸۴ :۲۸). و در ادوار تاریخی بعد اثری از آنان در ساخت انگشتری‌ها به چشم نمی‌خورد. با توجه به نمونه‌های موجود، فلز به‌کار رفته در انگشتری‌ها از جنس طلا و نقره است و هنرمندان طلاساز با روش ریخته‌گری آثار باشکوهی را خلق کردند. از مشخصه‌های این فرم می‌توان به کاربرد تکه‌های ظریف زینتی بر روی پایه نگین و رکاب‌های انگشتری[11] و نقوش تزیینی به‌صورت حیوانات اسطوره‌ای، پنجه‌های ظریف بر روی هر ضلع انگشتری اشاره کرد. برخی از آثار این سبک کارکردهای دیگری نیز داشته‌اند مانند (تصویر۱۶) که مقداری عطر درون پایه نگین ستاره‌ای مشبک آن باقی‌مانده است[12](ونزل، ۱۳۸۶: ۵۲). در (تصویر۱۸) میان حلقه‌های دایره‌ای شکل برجسته، نقشی از اژدهای آرمیده نمایان است. همچنین محل اتصال رکاب با طرحی از سر انسان و دو بدن حیوان (هارپی) مزین شده است. در (تصویر ۲۰) عبارت (والعز و الاقبال) بر نگین انگشتری آن حک شده است. سبک تکه‌کاری و سبک شش‌وجهی ازلحاظ فرم و تزیینات دارای مشابهت فراوانی هستند اما تفاوت این دو فرم در کاربرد نگین و تکه‌های ظریف فلزی در بدنه انگشتری است.

تصویر ۱۶: طلا ، قرن ۶، ونزل،۱۳۸۶: ۵۴

تصویر ۱۷: طلا، قرن۶، jenkins, 1983: 64

تصویر۱۸: نقره، قرن ۶، Brisch, 1971:91

تصویر ۱۹: طلا، قرن ۶، ونزل، ۱۳۸۶: ۶۵

تصویر ۲۰ : طلا، قرن ۶، ونزل،۱۳۸۶: ۱۲۳

۵- ملیله‌کاری و دانه‌کاری[۱۳]: فن ملیله‌کاری و دانه‌دانه‌کاری[۱۴]در عصر سلجوقی علاوه بر اشیاء فلزی زینت‌بخش زیورآلات آن دوره ازجمله انگشتری‌ها نیز بوده است. در ایران مفتول‌های طلا و جودانه در ساخت و تزیین برخی انگشتری‌های با کیفیت بالا به کار برده می‌شدند(ونزل، ۱۳۸۶ :۱۴۹). زیورآلات کشف‌شده متعلق به عصر سلجوقی ۵ و ۶ هجری قمری از مناطق ری و کاشان بیشتر دارای ملیله‌کاری از جنس طلا و نقره (گلدک، ۱۳۵۵: ۱۲۷). هستند اما در مواردی روی انگشتری‌ها دانه‌کاری نیز به چشم می‌خورد. متأسفانه تعداد اندکی از این سبک باقی‌مانده است. با توجه به نمونه‌های موجود جنس انگشتری‌ها در این سبک از طلاست و هنرمند طلاساز از دو فن ریخته‌گری و لحیم‌کاری در ساخت این دو فرم انگشتری سود جسته است. انگشتری (تصویر۲۱) با پایه نگین نسبتاً بلند و نگین فیروزه‌ای برجسته به روش ریخته‌گری ساخته‌شده است که گریبان حلقه با رشته‌های تابیده ملیله و دانه‌دانه‌کاری و بدنه حلقه با اشکال گل‌های چند پر و ساقه‌ها و برگ‌های پیچ‌درپیچ تزیین شده است. انگشتری (تصویر ۲۲) نمونه‌ای دیگر از این سبک زیبا در موزه خراسان بزرگ می‌باشد که حلقه مفتولی آن به روش لحیم‌کاری به پایه نگین گنبدی شکل متصل شده است. صفحه نگین گنبدی شکل با نوارهای ملیله و با فن سیاه‌قلم تزیین شده و در انتهای گنبد دانه‌ای از طلا تعبیه شده است و بر روی پایه نگین چندین حلقه و نقطه‌کاری به چشم می‌خورد.

تصویر۲۱: طلا ، ونزل،۱۳۸۶: ۵۱

تصویر۲۲: طلا ، قرن ۶، موزه خراسان بزرگ
ترسیم از نگارندگان

ساختار انگشترهای عصر تیموری

عصر تیموری را می‌توان پلی دانست از سبک تزیینی سلجوقی به عصر مدرن صفوی و آشنایی با سبک‌های اروپایی. باروی کار آمدن تیموریان (۹۱۲-۷۷۱ه.ق) در ایران مراکز مهمی چون سمرقند و خراسان به ساخت آثار فلزی فاخر مشهور شدند. از مشخصه‌های تزیینی این دوره کاربرد طیف گسترده‌ای از نقوش گیاهی، انتزاعی و نقش‌مایه‌های خاور دور شامل حیوانات اساطیری (اژدها) و پرندگان (مرغابی، سیمرغ) است(کونل، ۱۳۶۸: ۱۱۸)(جدول۲). در تزیینات آثار فلزی به‌مانند گذشته نقوش انسانی به چشم نمی‌خورد(شراتو و گروبه، ۱۳۷۴: ۵۹). رایج‌ترین خطوط در دوره تیموری خط ثلث و نسخ است(فراست، ۱۳۸۴: ۳۴). و علاوه بر دعاها و ثناهای عربی، اشعار فارسی نیز زینت‌بخش آثار فلزی شدند(لک‌پور، ۱۳۷۵، ۱۴-۱۵). انگشتری‌های عصر تیموری دارای سبک ساده و فرمی مشخص هستند که به دلیل استحکام بسیار متفاوت با انگشتری‌های اولیه عصر سلجوقی هستند (Content, 1987: 105) . در آثار زرگری و جواهرسازی عصر تیموری برخلاف عصر سلجوقی به سختی می‌توان اثری یافت که به‌صورت خاص از هنر ملیله‌سازی استفاده کرده باشد(علیزاده میرارکلائی، ۱۳۹۱: ۱۲۴). اما در برخی موارد انگشترهای با رکاب‌های بسیار برجسته و ملیله‌های زیبا ساخته‌شده است(پوپ، ۱۳۸۷، ۳۰۹۸). در این دوره سنگ زیبای یشم در تزیین انگشترهای دربار تیموری بسیار متداول شد.[۱۵] به نظر می‌رسد روابط تجاری چین و ایران سبب ورود سنگ یشم به دربار تیموری بوده است[۱۶]. زیورآلات این دوره از جنس طلا[۱۷]و نقره ساخته و با نقوش گیاهی، خطی، هندسی و سنگ‌های قیمتی چون فیروزه، یاقوت و یشم مزین شده است(جدول ۳). در دوره تیموری انگشترهایی با سنگ‌های برجسته (فرم الماسی) متداول شد. کتیبه‌های حک‌شده بر روی انگشترهای این دوره اغلب به خط نسخ است. در این دوره فرم‌های قطره اشکی و نگین بشقابی پدید آمدند(جدول۱).

۱- قطره اشکی: این فرم تا پیش از دوره تیموری در ایران متداول نبوده است. ریشه این نقش سمبلیک در باور و فرهنگ ترک و مغول بوده و بیشتر جنبه سلطنتی داشته است(ونزل، ۱۳۸۶: ۹۰). رکاب این نوع انگشتری‌ها به‌صورت حلقه‌ای ساده که با لحیم‌کاری به صفحه نگین متصل شده و اغلب فاقد نگین یشم و مزین به تزییناتی چون گل، بوته و سیاه‌قلم هستند. این سبک انگشتری مانند سبک پایه‌بلند اغلب به‌صورت مهر انگشتری کاربرد داشته است. در کتاب انگشتری‌های ونزل، مهر گوهرشاد خاتون همسر شاهرخ به شکل قطره اشک با نگین یشمی ذکرشده است و در دوره‌های بعدی نیز شاهد کاربرد این طرح در میان مقام‌های سلطنتی ازجمله شاهزاده میران شاه فرزند تیمور هستیم(همان، ۹۰). از مشخصه‌های تزیینی در این فرم انگشتری نقوش هندسی(V)، گیاهی، برگ‌های سه پر درون قلب و کاربرد کتیبه‌نگاری با شعائر

شیعی است که سطح نگین با اسماء ائمه اطهار و دوازده امام کاملاً پوشانده می‌شد. به نظر می‌رسد کاربرد نام ائمه بر روی انگشتری نشان‌دهنده تغییر نگرش مذهبی در ایران و مسامحه تیموریان یا شیعیان است. در انگشتری (تصاویر۲۳و۲۴) کتیبه‌ای با نام دوازده امام و در چهار قسمت به روش سیاه‌قلم نقش گردیده است. ویژگی مهم این مهر در طراحی شکل آن بوده که به‌صورت کنگره‌دار است. این فرم در دوره‌های بعدی نیز به چشم می‌خورد. در(تصویر ۲۵) نام حسن و اسماء ائمه به‌صورت مکرر بر سطح انگشتری به چشم می‌خورد.(تصویر ۲۸) بر روی سطح صفحه نگین کلمه (الله) و در اطراف اسماء ائمه اطهار نقش بسته است. در دوره تیموری برخلاف دوره سلجوقی اسماء الهی کاربرد بسیاری در تزیین انگشتری‌ها دارند.

تصویر شماره ۲۳: نقره، ونزل،۱۳۸۶: ۱۱۳

تصویر شماره ۲۴: نقره، ونزل، ۱۳۸۶: ۱۱۳
ترسیم از نگارندگان

تصویر شماره ۲۵: نقره، قرن۸-۷، محفوظی،۱۳۹۵: ۸۳

تصویر شماره ۲۶: طلا ، قرن ۸-۷، Spink, 2013: 564

تصویر شماره ۲۷: طلا ، قرن ۸-۷، Spink, 2013: 564

تصویر شماره:۲۸: نقره ، قرن۸-۷، دالتون،۱۹۱۲: ۲۲

۲- سر ماری(اژدها): فرم نوظهوری که در عصر تیموری در انگشترسازی جلوه‌ای خاص پیدا کرد. به نظر می‌رسد این نقش تحت تأثیر روابط تیموریان با آسیای شرقی و هنر چین[۱۸] وارد هنر آن دوره شده است. برخی حضور سر مار یا اژدها را به سبب جنگ تیمور و سپاه خواتین مغول به فرماندهی توقتمش در ۱۳۹۱ میلادی و به‌دست‌آوردن غنائمی که در میان آن آثاری با نقوش و تزیینات اژدها وجود داشته است مرتبط می‌دانند(ونزل، ۱۳۸۶: ۹۰). ورود این باور در دربار تیموری سبب ساخت انگشتری‌های با حلقه‌های به شکل مار شد.[۱۹] طرح مار بر روی آثار فلزی تیموریان و مغولان به تعیین قدمت شکل سر مار در انگشتری‌ها کمک شایانی می‌نماید. سرگرد مار کوچک (اژدها) بدون یال که از بالا به شکل حلقه‌ای ساده به نظر می‌رسد. در آثار و اشیاء مناطق تحت حکومت خوانین مغول وجود داشته است اما به‌مرور زمان این فرم با تغییراتی همراه شد و سرهای مار با یال‌هایی در پشت سر و گردن و دندان‌های تیز زینت‌بخش انگشتری‌ها شدند (ونزل، ۱۳۸۶: ۱۷۳) (تصویر ۳۲). جنس انگشتری از طلا و نقره و اغلب فاقد نگین است که در برخی موارد نگین یشم

دارد. صفحه انگشتری‌های سرماری به دو صورت گرد و شش‌وجهی و به‌صورت ریخته‌گری ساخته می‌شد که دو سر مار پایه نگینی مخروطی (الماسی) شکل آن را در برمی‌گرفت. از تزیینات آن (تصویر ۲۹و۳۰) فن سیاه‌قلم بر روی صفحه نگین همراه با نقوش گل‌های سه برگ و شاخه‌های پیچک است. کتیبه‌نگاری نیز بخش عمده تزیینات را به خود اختصاص داده است که سطح نگین را می‌پوشاند. در انگشتری(تصویر ۳۰) کتیبه‌ای با این عبارت (قل اعوذ برب الناس پیرعلی بن عباس) حکاکی شده است. در نمونه‌ای دیگر(تصویر ۳۲) بر روی کتیبه عبارت (قل اعوذ برب الناس، حسن بن عباس) بسیار ظریفی به خط کوفی بنایی نقش بسته است. (فریه، ۱۳۷۴: ۳۱۰۰). نمونه فاخر انگشتری‌های این سبک حلقه(تصویر ۳۲) است که روی آن حکاکی کتیبه‌ها و نقوش اسلامی با جزییات کم‌نظیر حتی در کوچک‌ترین سطح باظرافت نقش بسته است .

تصویر شماره۲۹ : نقره ،
Spink, 2013 :556

تصویر شماره ۳۰: نقره، Spink, 2013: 564
ترسیم از نگارندگان

تصویر شماره ۳۱ : نقره،
ونزل، ۱۳۸۶:۹۴

تصویر شماره ۳۲: طلا،
ونزل، ۱۳۸۶: ۲۳۴

۳- نگین بشقابی: نگین‌های وسیع و گرد از جنس یشم، عقیق و سنگ لاجورد زینت بخش پایه‌های نگین‌هایی از جنس نقره هستند. حلقه‌ها در این فرم به صورت ساده و مفتولی یا پهن به مانند رکاب فیلی به روش ریخته‌گری و لحیم‌کاری ساخته شده است. نقوش حک شده بر روی نگین‌ها بیشتر اسماء الهی، ائمه اطهار و اشعار زیبای به زبان فارسی و اسامی اشخاص است. روی انگشتری(تصویر ۳۳) کتیبه (چنانم به خالق که بخشد روز حشر صاحب) نقش بسته است. همچنین بر انگشتری(تصویر ۳۵) با نگین یشم کتیبه‌ای با عبارت (الواثق الملک السحابی احمد السحابی علیشاه) حک شده است که عبارات نقش بسته نشان از حالات روحی شخص سفارش‌دهنده دارد. انگشتری (تصویر ۳۶) با نگین عقیق گلگون با عبارت (الواثق بالملک الغنی الفقیر عبدالرزاق سلمان المهاجری) مزین شده، همچنین بر روی حلقه نقوش دایره و بر پایه نگین برگ‌های نخل دیده می‌شود.

تصویر شماره ۳۳: نقره، Jenkins, 1983:99

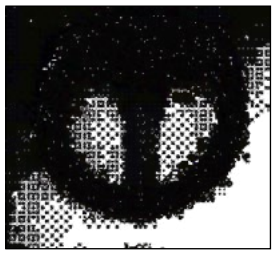

تصویر شماره ۳۴ : نقره، ونزل،۱۳۸۶: ۱۰۱

تصویر شماره ۳۵: نقره، محفوظی، ۱۳۹۵: ۶۳
ترسیم از نگارندگان

تصویر شماره ۳۶: نقره،
ونزل، ۱۳۸۶: ۱۰۲

۴- **سردوشی دار:** این فرم از عصر ایلخانی به دوره تیموری منتقل شد. شکل قسمت بالای ساق‌های حلقه نزدیک به نگین به تقلید از سردوشی‌های نظامی تغییریافته و بعدها به جهت تقویت پایه نگین مخروطی شکل اجزای دیگری مانند سر افعی به این قسمت اضافه شد (ونزل، ۱۳۸۶ : ۱۶۵). در عصر تیموری این سردوشی‌ها با اندکی تغییر همراه شدند. به نظر می‌رسد سردوشی‌ها ملایم‌تر و در برخی انگشتری‌ها به‌صورت زائده‌ای کوچک بر بدنه حلقه به چشم می‌خورد. کاربرد این فرم اغلب به‌صورت مهر انگشتری که از جنس طلا، نقره و سنگ‌های یشم (سفید، سبز، زرد) و عقیق قرمز ساخته‌شده است و اغلب فاقد نگین هستند. وجود زائده‌ها در قسمت سرشانه و مقعر شدن انگشتر، وجود سوراخ‌های بر روی بدنه همچنین زائده‌ای به‌صورت خط مقسم از ویژگی‌های آن است. نمونه‌های بررسی‌شده دارای کتیبه‌های با مضامینی چون اسامی اشخاص و کلمات پندآموز است که در برخی انگشتری‌ها کاربرد آن به‌صورت مهر انگشتری را تقویت می‌کند. کتیبه نقش بسته بر روی صفحه نگین انگشتری(عمل لما تلقا العزیم کریم) (تصویر۳۷) از جنس یشم سفید و به خط نسخ است. نقوش حک شده بر دیگر نمونه‌های بررسی شده بدین شرح است: انگشتری(تصویر ۴۰) باقابی چهارگوش و کتیبه‌ای (یثق بالصمد سعد بن محمد) از جنس یشم و انگشتری نقره(تصویر ۴۲) با عبارت (محمد جهان شاه) نشان‌دهنده کاربرد اسامی بر روی این سبک از انگشتری دارد. کتیبه‌های پندآموز با عباراتی چون (القناعه الغنا) نیز بر روی انگشتری‌ها به چشم می‌خورد (تصویر ۴۱).

تصو.یر شماره ۳۷: یشم،
ونزل ، ۱۳۸۶: ۹۴

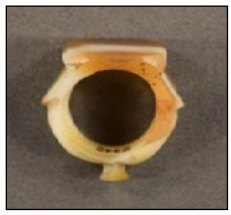
تصویر شماره ۳۸ : عقیق

تصویر شماره ۳۹: یشم،
ونزل ، ۱۳۸۶: ۹۴

تصویر شماره ۴۰:
ترسیم از نگارندگان

تصویر شماره ۴۱: نقره،
ونزل، ۱۳۸۶: ۱۰۱

تصویر شماره ۴۲: یشم

۵- مهر انگشتری: مهم‌ترین کاربرد مهر انگشتری درگذشته برای مهرکردن اسناد و مدارک بوده است. «انگشتری‌ها دیگر یک حلقه فلزی صرف نبوده، بلکه نقش و نگاری نیز به آن اضافه می‌گردید که متضمن نام حاکم یا عنوان و یا آماری و شعار وی بوده و بدین‌ترتیب به‌صورت مهر رسمی دولت که امروز (مهر دولتی) نامیده می‌شود، درآمد» (الولی، ۱۳۴۶: ۸-۹). نگین‌های آن از جنس عقیق و یشم و اغلب جنسی از نقره داشته‌اند و هنرمند طلاساز از روش ریخته‌گری و لحیم‌کاری برای ساخت آنان استفاده کرده است . رکاب انگشتری با نقوش ظریف و درهم‌تنیده شده به شیوه عربی تزیین شده است و بر روی صفحه نگین فلزی کتیبه‌ای با فن سیاه‌قلم تزئین شده است. نمونه انگشتری(تصویر ۴۵) با فن لحیم‌کاری به پایه نگین متصل شده و کتیبه (الله محمدعلی العبد آقاجان) بر روی آن نقش بسته است.

تصویر۴۳: نقره،
ترسیم از نگارندگان

تصویر ۴۴: نقره

تصویر۴۵: نقره،
ونزل، ۱۳۸۶: ۲۱۱

ساختار انگشترهای عصر صفوی

حکومت صفوی (۱۲۰۰- ۹۰۷ ه.ق) سبب رشد و کمال در هنرهای آن عصر شد. شهرهای اصفهان، یزد و زنجان از مراکز مهم فلزکاری و جواهرسازی بودند و هنرمندان انواع مختلفی از گوشواره، دستبند، انگشتر، گل سینه، گیره و... با نقش و نگارهای بدیع و ظریف را خلق می‌کردند. در این دوره نقش و نگارهایی همچون ترنج‌های تزیینی، گل‌های شاه‌عباسی، اسلیمی دهن‌اژدری، ختائی و لچکی و تصاویر انسان زینت‌بخش آثار و جواهرات این دوره شدند.[۲۱] کاربرد خط ثلث و نستعلیق با نقوش گل، برگ و ترکیبات زیبای نقوش اسلیمی

و هندسی به‌جای نسخ بر روی فلزات نشان از بلوغ هنری عصر صفوی دارد(جدول ۲). دوره صفوی را باید اوج به‌کارگیری خط به‌خصوص خطوط ثلث و نستعلیق در تیینات انگشتری‌ها دانست(احتشامی،۱۳۸۳: ۱۱). تاورنیه در سفرنامه خویش در مورد کار زرگران بازار تبریز چنین می‌گوید: «آنها به‌غیراز انگشتری‌های بدترکیب نقره چیز دیگری نمی‌توانند بسازند.» (تاورنیه، ۱۳۳۶: ۹۷). ژان شاردن جهانگرد فرانسوی که خود جواهرشناس نیز بوده در گزارشی از جواهرات مردان وزنان ایرانی چنین روایت می‌کند: «گاهی دیده می‌شود برخی از آنان پانزده یا شانزده انگشتری به انگشتان خود کرده‌اند، به عبارت دیگر بسا باشد که یک انگشت خویش را به پنج یا شش انگشتری زینت داده‌اند. اما فقط به سه انگشت میان انگشتر می‌کنند. نگین انگشتری‌های مردان با ماده لطیفی روی پارچه‌های نقره نصب می‌شود، و این به‌خاطر این است که هنگام گزاردن نماز ناچار نباشند انگشتری‌های خود را از انگشت بیرون بیاورند»(شاردن، ۱۳۳۶ج۲: ۸۱۵). انگشتری‌های زنانه دارای طناب‌های از جنس طلا بود و در زنجیره‌های هفت یا هشت‌تایی در گردن آویخته می‌شدند و فقط هنگام مهر و موم سندی از گردن جدا می‌شدند (Spink, 2013: 515). در دوره صفوی کاربرد نگین فیروزه برای تزیین انگشتری‌ها بسیار رواج داشته است و تاریخ‌نویسی و ذکر نام حکاک بر روی آثار متداول شد(جدی، ۱۳۸۷: ۲۱۴). چنانکه در تذکره سامی نام برخی از حکاکان نگین همچون مولانا قانعی قزوینی ذکرشده است(صفوی، ۱۳۴۷: ۲۷۲). حضور جواهرسازان اروپایی در دربار صفوی باعث آشنایی زرگران ایرانی با فنون رایج و سبک‌های زیورآلات در اروپا گشت (شاردن، ۱۳۳۶ج۷: ۱۷۷). یکی از این تاثیرات آشتایی با سبک اروپایی بر روی پایه نگین های این عصر است(تصاویر ۵۶-۵۴) .پایه نگین‌ها به صورت ورقه ساخته و به حلقه‌های مفتولی متصل می‌شده است نتیجه این ترکیب چندان جالب توجه نیست اما در اروپای اواخر شانزدهم تا اواسط هیجدهم میلادی به بالاترین درجه محبوب و همه پسند است(ونزل، ۱۳۸۶: ۱۱۹).

انگشتری‌های این دوره مضامین شیعی و اسماء ائمه معصومین با تأکید بر نام علی (ع)[۲۲] به‌ویژه در انگشترهای رسمی شاه، صاحب‌منصبان، عمال شهری، نظامیان و علمای مذهبی کاربرد ملموسی داشته است. در این دوره فرم‌هایی تجملی، قطره اشکی، نگین بشقابی، ساده، جودانه دار و کمانداران پدید آمدند(جدول۱).

۱- تجملی: در ایران دوره صفوی انگشتری‌هایی با نقوش و تزیینات ظریف و فراوان به دست استادان پدید آمدند که بیشتر به شیوه ریخته‌گری ساخته شدند. از شاخصه‌های این شیوه وجود کتیبه‌نگاری گسترده شیعی (اسماء ائمه اطهار، دعا) و کاربرد نقوش اسلیمی و هندسی بر روی بدنه حلقه و نگین است. طرح‌های این فرم، بیشتر دنباله‌رو طرح قالیچه‌های یشمی و زربافت به سبک اصفهان هستند و بیشترین به شیوه ریخته‌گری درست شده‌اند (Melikian,1986:110). حلقه‌های انگشتری اغلب به‌صورت رکابی فیلی و از جنس طلا و نقره ساخته‌شده‌اند. انگشتری (تصویر۴۶) با کتیبه «عز من لایموت» و در مرکز و حاشیه با کلمه نادعلی مزین شده است و بر روی گریبان حلقه درون قابی از جنس طلا کلمه «علی و محمد» حک‌شده است. در (تصویر ۴۷) بر روی نگین عقیق گلگون انگشتری کتیبه «الواثق بالملک الصمد عبد تاج‌الدین بن محمد» حک‌شده است. این فرم با تزیینات زیبا شباهت به فرم تکه کاری در عصر سلجوقی از لحاظ کاربرد تزیینات دارد.

تصویر شماره ۴۶: نقره، ونزل،۱۳۸۶: ۹۹

تصویر شماره۴۷: نقره، ونزل،۱۳۸۶: ۹۹

تصویر شماره ۴۸: طلا و نقره،
Spink, 2013:545

تصویر شماره ۴۹: طلا و نقره،
Spink, 2013:564

۲- مدور تاجی: با همان ساختار و فرمی که درگذشته (تیموری) ساخته می‌شد در عصر صفوی نیز باکمی تغییر تداوم‌یافته است. در دوره صفویه این نوع فرم پایه نگین با نام‌هایی چون مهر گلابی‌شکل و مهر محرابی خوانده می‌شدند(ابوالقاسمی، شیرازی، ۱۳۸۵: ۳). جنس انگشتری‌ها این سبک نیز از طلا و نقره است و به‌مانند سبک قطره اشکی در عصر تیموری اغلب فاقد نگین با حلقه‌های مفتولی که فن لحیم‌کاری به پایه نگین متصل شدند. انگشتری (تصویر ۵۰) از جنس نقره با پایه نگین مدور تاج، و بر روی صفحه فلزی نگین کتیبه بن صالح و در اطراف حسن و علی حکاکی شده است. از ویژگی مهم انگشتری(تصویر۵۱) طراحی شکل آن به صورت تمام کنگره بوده و به نظر می‌رسد نشأت‌گرفته از مهرهای سلطنتی در عصر صفوی است. در تصویر ۵۲ بر روی نگین اشکی انگشتری با خط نسخ کتیبه‌ای فارسی با تزیینات طلایی حک شده و رکاب مفتولی آن به‌صورت لحیم‌کاری به پایه نگین نصب شده است (۱۳۹۸/۵/۱۳).

تصویر شماره ۵۰: نقره، محفوظی، ۱۳۹۵: ۶۲

تصویر شماره ۵۱: نقره، محفوظی، ۱۳۸۵: ۶۲

تصویر شماره ۵۲: طلا،

۳- مهر انگشتری: یکی از عناصر نمادین در قدرت و سلطنت شاهان در ادوار مختلف محسوب می‌شده است. در دوره صفوی مهرهای سلطنتی از سنگ‌های قیمتی ساخته و در کیسه‌هایی ممهور و به‌وسیله صدراعظم نگهداری می‌گردید[۲۳] (اسماعیلی، ۱۳۸۵: ۱۳۶) و فقط یکی از مهرهای شاهی بر حلقه انگشتری

سوار می‌شد و شاه همیشه آن را در دست و همراه خود داشت(جدی، ۱۳۸۷: ۱۲۸). شکستن مهر انگشتری شاهی در عصر صفوی از دوران شاه‌طهماسب و کشمکش بر سر قدرت بین فرزندان او متداول شد[۲۴] (سمسار، ۱۳۴۰: ۷). از ویژگی‌های بسیار مهم مهرهای دوره صفوی درج تاریخ ساخت بر روی آنهاست. نگین مهرهای صفوی اغلب بدون نقش‌ونگار (گیاهی، حیوانی) بوده و تزئین مهرها با خط نستعلیق کم‌کم در این دوران رواج پیدا کرد(ابوالقاسمی و شیرازی، ۱۳۸۹: ۶۵). در دوره صفوی به مانند عصر سلجوقی انگشتری‌ها با طراحی‌های متنوع هندسی(مدور، مربع، مستطیل) و حلقه‌های مفتولی با فن ریخته‌گری و لحیم‌کاری ساخته می‌شد(جداول ۱و۳). کتیبه‌نگاری در عصر صفوی با اشعار فارسی و اسماء ائمه اطهار و کلمات عاشقانه به صورت گسترده زینت‌بخش انگشتری‌های این دوره شدند. انگشتری(تصویر۵۳) از جنس نقره با حلقه مفتولی و زائده‌ای در انتهای آن به پایه نگین بشقابی لحیم‌کاری شده که بر روی عقیق آن کتیبه‌ای با نام علی و دوازده امام با خط نستعلیق حکاکی شده است. بر روی نگین مستطیل شکل انگشتر(تصویر ۵۵) جمله (مبشراً برسول یأتی من بعدی اسمه احمد) به تاریخ ۱۱۷۴ هجری و با خط زیبای ثلث حک شده است. در مرکز انگشتر(تصویر ۵۶) کتیبه‌ای عربی با عنوان «لقا المحبوب شفا القلوب» و در حاشیه نگین آن شعر (دولت باد فرست باد عمرت باد نصره باد) آمده است و در پشت پایه نگین نقوش هندسی با گل‌های سه برگی آویخته نقش بسته است. نکته قابل‌تأمل اینکه طرح گل‌های سه برگی در این سبک همانند گل‌های انگشترهای دوره تیموری بر روی آن حک شده است.

تصویر شماره ۵۳: نقره، ونزل، ۱۳۸۶: ۱۰۷

تصویر شماره ۵۴: نقره، ونزل،۱۳۸۶: ۱۰۴

تصویر شماره ۵۵ : نقره ،
موسوی نیا، عبدالهی، ۱۳۹۰: ۳۵۷

تصویر شماره ۵۶: طلا، ونزل، ۱۳۸۶: ۱۱۸
ترسیم از نگارندگان

۴- نگین بشقابی: پایه نگین بشقابی در انگشترهای اسلامی از اواخر قرن شانزدهم تا قرن هیجدهم میلادی به میزان قابل‌توجهی به کار رفت(ونزل، ۱۳۸۶: ۱۱۹). به نظر می‌رسد که این فرم امتداد انگشتری‌های نگین بشقابی در عصر تیموری و کاربرد گسترده آن در عصر صفوی باشد. در عصر صفوی ظهور مهر انگشتری‌هایی یک‌تکه تراشیده شده از جنس یشم نشان‌دهنده ارتباطی عمیق با گذشته خویش (تیموری) دارد. در (تصاویر ۶۰و۶۱) از جنس یشم و به‌صورت یک‌تکه ساخته‌شده که نشان از نگاه استادکاران به میراث

گذشتگان و حفظ این سبک در عصر صفوی است. در این دو نمونه تفاوت‌های بارزی را از لحاظ فرم حلقه می‌توان مشاهده نمود. انگشتری(تصویر۶۰) با نگین بشقابی و حلقه‌ای ساده ساخته‌شده است اما نمونه دیگر (تصویر۶۱) با صفحه بشقابی وسیع‌تر و سرشانه‌های تداعی‌کننده سبک سردوشی‌دار عصر تیموری می‌باشد و خط مقسم و زائده سکه‌ای شکل بر روی رکاب آن به چشم می‌خورد.

تصویر شماره ۵۷ : طلا، ونزل،۱۳۸۶: ۱۰۰

تصویر شماره ۵۸: طلا، Content, 1987:212

تصویر شماره ۵۹: طلا، Content, 1987:212

تصویر شماره ۶۰: یشم

تصویر شماره ۶۱: یشم

۵- ساده و جودانه دار[۲۵]: برخلاف شیوه تجملی این فرم از انگشتری‌ها بسیار ساده و فاقد تزیینات زیبا و ظریف است و ازلحاظ فن از دقت و مهارت دیگر شیوه‌ها بهره‌ای ندارد. به نظر می‌رسد بر اساس نمونه‌های موجود جنس اغلب این انگشتری‌ها بیشتر از طلا بوده و حلقه‌های مفتولی نازک به‌صورت ناشیانه‌ای به پایه نگین‌ها لحیم‌کاری شده‌اند. انگشتری(تصویر۶۲) با نقشی از چهار برگ جودانه دار و بر پشت هر یک از گلبرگ‌های آن طرح گل سوسن دیده می‌شود. از دیگر نمونه‌های این فرم(تصویر ۶۳) با نگین بشقابی فیروزه و کتیبه‌ای ناخوانا به خط نستعلیق از عصر صفوی است.

جدول ۱ : فرم ساخت انگشتری در دوران سلجوقی، تیموری و صفوی

دوره	ری	تکه کاری	شش‌وجهی	پایه‌بلند	ملیله و دانه‌کاری	قطره اشکی	سر ماری	نگین بشقابی	مهر انگشتری	سردوشی دار	تجملی	جودانه دار و ساده
سلجوقی	*	*	*	*	*	-	-	-	-	-	-	-
تیموری	-	-	-	-	-	*	*	*	*	*	-	*
صفوی	-	-	-	-	-	*	-	*	*	-	*	*

جدول شماره ۲: نقوش و کتیبه‌نگاری در انگشتری‌ها

دوره	هاربی	سر انسان	حیوان شیر	درخت نخل	زیگزاگ	گل ۳ و ٤ برگ	پیچک	گیس‌باف	اژدها	هندسی	کلمه الله	آیات قرآن	نام اشخاص	ائمه اطهار	ناد علی	اشعار فارسی	خط نسخ	خط ثلث	خط نستعلیق	کوفی بنایی
سلجوقی	*	*	*	*	*	*	*	–	*	*	–	–	–	–	–	–	*	–	–	–
تیموری	–	–	–	–	*	*	–	*	*	–	*	*	*	*	–	*	*	–	–	*
صفوی	–	–	–	–	–	*	*	–	–	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	–

جدول شماره ۳: فلز، نگین، فن در انگشتری‌ها

دوره	طلا	نقره	مس	آهن	فیروزه	پشم سبز	پشم آبی	عقیق گلگون	پشم آبی	پشم سفید	عقیق نارنجی	یاقوت ارغوانی	رکاب مفتولی	رکاب فیلی	رکاب پهن	ریخته گری	لحیم‌کاری	سیاه‌قلم	تکه کاری	ملیله‌کاری
سلجوقی	*	*	*	*	*	–	–	–	–	–	–	*	*	–	*	–	–	–	*	*
تیموری	*	*	–	–	*	*	*	*	*	*	*	–	*	*	*	–	–	*	–	–
صفوی	*	*	–	–	*	*	–	*	–	–	–	–	*	*	*	–	–	–	–	*

نتیجه‌گیری

با بررسی نمونه‌های انگشتری در طی سه دوره سلجوقی، تیموری و صفوی می‌توان بیان کرد انگشتری‌های عصر سلجوقی در غالب شیوه‌های بدیع و فرم‌های متنوع چون پایه بلند، شش وجهی و ری با نقوش حیوانی و انسانی پرتکلف و ظریف پدید آمدند. این نوع تزیینات در دوره اسلامی تازه بود و تکنیک‌های ساخت انگشتری‌ها به صورت ریخته‌گری و ورقه کاری مورد اقبال قرار گرفت. ساخت انگشتری‌های با تزیینات ملیله‌کاری، دانه‌دانه‌کاری و تکه‌کاری بر غنای سبک‌های این دوره افزود .در انگشترسازی عصر سلجوقی می‌توان تأثیرپذیری از هنر فلزکاری را به‌خوبی مشاهده کرد. دوره تیموری عصری نوظهور در ساخت انگشتری‌ها با فرم‌های جدید در دوره اسلامی است. مبادلات فرهنگی میان چین و دربار تیموری موجب انتقال عناصری چون نقش اژدها و سنگ یشم، در هنر انگشترسازی شد. تلفیق این دو سبب پدیدآمدن فرم سر ماری یا اژدها که از نمادهای قدرت حکومت است، گردید. نقوش به کار رفته بر روی انگشتری ها شاهد نوعی ساده‌سازی بوده که با سبک‌های پرتکلف سلجوقی بسیار متفاوت است. در دوره تیموری فرم سردوشی‌دار با تورفتگی‌های تیز و سنگ یشم با کتیبه‌های به اسم اشخاص و ادعیه جای خود را در مهر انگشتری باز کردند. کتیبه‌های حک‌شده در این دوره اغلب به خط کوفی و حاوی مضامینی چون اسماء الهی، اسامی ائمه اطهار و اشعار فارسی است که نشان تأثیرپذیری این هنر از تحولات اجتماعی و توجه به شعائر شیعی و ایرانی در حکومت تیموری دارد. عصر صفوی را از یک منظر امتداد هنر تیموریان در ساخت انگشتری با همان سبک و سیاق گذشتگان می‌توان برشمرد اما در میانه این عصر مبادلات تجاری و حضور جواهرسازان اروپایی در دربار و کسب تجارب و آشنایی با فنون جواهرسازی تأثیراتی بر روی این هنر ایرانی گذاشت اما به مانند دو دوره سلجوقی و تیموری دارای نوآوری های چندانی در عرصه فرم و سبک انگشتری

نبود. در این عصر نگین فیروزه استقبال فراوانی شد. تاریخ‌نویسی، نام حکاک و اسامی ائمه با تأکید بر نام امام علی(علیه‌السلام) بسیار متداول گشت و خط ثلث و نستعلیق زینت بخش تزیینات انگشتری‌ها در این دوره شدند.

پی‌نوشت‌ها

۱. قدیمی‌ترین مهر انگشتری اسلامی مهر پیامبر است که به دستور ایشان ساخته شد و نام محمد رسول‌الله بر روی آن حک شد.
۲. علاوه بر عناوین مطرح‌شده انگشتری‌های با کاربردهای دیگری نیز وجود داشته است مانند: انگشتر امان، انگشتر فرمان، انگشتر قبول اطاعت. برای اطلاعات بیشتر مراجعه کنید به سلطانیه، ۱۳۷۴: ۱۹۵.
۳. ابوبکر احمدبن محمدبن اسحاق همدانی، ۱۳۴۹: ۸۶.
۴. یکی از عوامل پیشتازی خراسان به پیشینه آن در زمان سامانیان(۲۶۱-۳۸۹ه.ق) برمی‌گردد که بزرگ‌ترین مرکز ساخت ظروف برنزی و تزیینات قدیم ایرانی به سبک ساسانی بوده است(زکی، ۱۳۶۳: ۱۵).
۵. نقوش اسلیمی‌ها چه به‌صورت مسطح یا برجسته در این دوره در آثار هنری وسعت بیشتری پیدا کرد. (اتینگهاوزن و گرابر، ۱۲۷۸: ۴۹۵).
۶. در بعضی ظروف و اشیای فلزی بخشی یا تمام اثر بافرم سر یا بدن جانوران ساخته می‌شد غالب تنگ‌ها و مشربه‌ها و جام‌های سلجوقی به تقلید از هنر ساسانی با سر جانوران یا پرندگان تزیین‌شده‌اند(احسانی، ۱۳۸۶: ۱۹۳).
۷. چشمگیرترین نوآوری در قلمرو کتیبه‌نگاری اشکال مختلفی از نوشته‌های جانورگونه و انسان گونه بر روی آثار است.که انتهای حروف با نقوش گیاهی به شکل سر انسان یا بدن حیوان تزیین می‌شده است(دیماوند، ۱۳۶۵: ۱۳۸).
۸. در قرون سوم و چهارم هجری در ایران ساخت انگشتری‌های یکپارچه متداول گشت و فرم‌های گوناگونی به شیوه ریخته‌گری با پایه نگین‌های باریک و بلند جایگزین پایه‌های تزیینی شد که امتداد این شیوه ساخت را در دوران سلجوقی نیز می‌توان مشاهده کرد(زکی، ۱۳۶۳: ۶۱).
۹. دانه دانه کاری تکنیکی است که در آن تزیین زیور به‌وسیله گوهای بسیار کوچک طلا که معمولاً به یک ورق طلا متصل می‌شوند صورت می‌گیرد که این اتصال می‌تواند به‌وسیله لحیم کردن انجام شود. ر.ک. واژه یاب. در زیورآلات دیگری چون گردنبند و دستبندهای دوره سلجوقی به‌وفور از این تکنیک استفاده می‌شده است.
۱۰. این سبک در برخی منابع به سبک کلاژ معروف است.
۱۱. این قطعات ظریف و زیبا در برخی انگشتری‌ها علاوه بر زینت برای پوشاندن قسمت‌های چون محل اتصال حلقه به پایه نگین به کار می‌رفتند(ونزل، ۱۳۸۶: ۵۲).
۱۲. برخی از این انگشتری‌ها درگذشته مقداری سم در داخل یا زیر آن برای اهداف سیاسی نگهداری می‌شده است(سلطانیه، ۱۳۷۴: ۱۹۷).
۱۳. نگارنده این سبک از انگشتری را به دلیل فرم خاص و تزیینات متفاوت بر روی سطوح آن در ذیل سبک‌های این عصر دسته‌بندی و نام‌گذاری کرده است.
۱۴. تزیینی‌که با کنار هم قرار گرفتن گوی‌ها یا ساچمه‌های ریز طلا یا نقره حاصل می‌شود.
۱۵. در تنسوخ نامه طوسی درباره محل استخراج یشم چنین آمده است:« میان کاشغر و ختای ولایتی است که آن را ختن گویند ولی در چین هم یافت می‌شود. یشم هفت رنگ است اما سفید و زیتی از دیگر رنگ‌ها بهتر است»(طوسی، ۱۳۶۴: ۲۲۶).
۱۶. سنگ یشم در چین نشانی از قدرت، جاودانگی و اصالت امپراتور بوده است و این سنگ به صورت سلسله مراتب سیاسی در میان شاهزادگان و درباریان به کار برده می‌شد(علیئی، ۱۳۹۰ :۵۹).
۱۷. در برخی مینیاتورهای این دوره انگشتری‌های از جنس طلا با صفحه‌ای تخت بر دست مردان دیده می‌شود.
۱۸. اژدها در باور چین و مردمان خاور دور قدرت معنوی و روحانی و نشان باستانی اسطوره‌های شرقی است و در تمامی هنرهای چینی جلوه بارزی دارد. از دیدگاه آنان اژدهای چینی نماد امپراتوری، انرژی مردانه و باروری است(بروس میتفورد، ۱۳۸۸: ۹۴). در اسطوره‌های چینی اژدها باخدایان، جاودانگی و امپراتور مرتبط است و در باورشان امپراتور واژه‌ها را به هم مربوط می‌دانند و این خود اساس بسیاری از اسطوره‌های این سرزمین کهن شده است(Werner,۲۰۰۵: ۲۱۴).

۱۹. اما به نظر می‌رسد این آشنایی با اژدها سابقه‌ای طولانی‌تر در ایران‌زمین و به دوره ساسانیان بازمی‌گردد. در فرهنگ ایرانی اژدها نیروی اهریمنی محسوب می‌شود، پهلوانان خداپرست آن را مانعی در برابر حصول به اندیشه‌های ایزدی دانسته‌اند و همیشه برای پیروزی بر اژدها از یزدان پاک مدد می‌طلبیدند(کویاجی، ۱۳۵۳: ۱۹۱). به نظر می‌رسد این باور کهن در سرتاسر تاریخ ایران‌زمین در بین مردمان وجود داشته است.

۲۰. این سبک از انگشتری‌ها بر اساس پژوهش نگارنده در ذیل سبک‌های عصر تیموری نام‌گذاری و دسته‌بندی شد.

۲۱. در دوره صفوی نقوش مطرح‌شده را در هنرهای دیگری همچون قالیبافی، کاشی‌کاری، تذهیب و گچ‌بری نیز به کار می‌بردند (احسانی،۱۳۸۶: ۱۹۴).

۲۲. مهرهای مردم کوچه و بازار، روی نقره یا مس کنده می‌شدند و اغلب علاوه بر نام مالک و گاه نام پدر مالک تصویر یک پرنده یا حیوان یا یک شاخهٔ درخت و آرایه‌های زینتی دیگر نقش می‌شد(بورگوماله، ۱۳۸۸: ۸۸۸).

۲۳. درگذشته جهت جلوگیری از سوءاستفاده از مهر پادشاه وقت بعد از فوت ایشان مهرهای آنان طی مراسمی شکسته می‌شد به همین سبب این نوع انگشتری‌ها کمتر در دسترس می‌باشد.

۲۴. در منابع تاریخی عصر صفوی از مواردی در جهت سوءاستفاده نام‌برده شده است «سلطان حیدر میرزا که مدعی سلطنت و ولی عهدی بود ، علی التقدیر در دولت‌خانه توقف کرده بود . صباح آن روز تاج شاهی بر سر نهاد و ... معاندان شاهزاده می‌گفتند که آن وصیت‌نامه به خط مبارک خاقانی نیست بلکه خط یکی از مخدرات حرم است و بعد فوت آن حضرت نوشته‌شده و انگشتری از دست آن حضرت بیرون آورده مهر کردند».

۲۵. این سبک از انگشتری‌ها بر اساس پژوهش نگارنده در ذیل سبک های عصر صفوی دسته‌بندی شد.

فهرست منابع

- ابوبکر احمد بن محمد بن اسحاق همدانی(۱۳۴۹). البلدان، ترجمه: ج. مسعود، تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.
- اتینگهاوزن، ریچارد؛ گرابر، الگ(۱۲۷۸). هنر و معماری اسلامی، ترجمه یعقوب آژند، تهران: انتشارات سمت.
- _____(۱۳۷۶). هنر ایران در دوره سلجوقی، ترجمه یعقوب آژند، تهران:کیهان فرهنگی.
- احسانی، محمدتقی(۱۳۸۶). هفت هزار سال هنر فلزکاری در ایران، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- احتشامی، محسن(۱۳۸۶). مهرهای از جنس عشق، تهران: خورشید.
- الولی، محمد طه، از انگشتری تا مهر، ترجمه: محمود لواسانی، الدراسات الادبیه، (شماره ۳۳ و ۳۴)،۹۹-۱۲۰.
- بورگوماله، یاسنت لویی رابینو دی(۱۳۸۸). مهرهای دوران صفوی، ترجمه:سید محمدحسین مرعشی، پیام بهارستان، (شماره۳)، ۸۹۴- ۸۸۷.
- برزین، پروین (۱۳۴۶). پارچه‌هایی قدیم ایران، تهران: مجله هنر و مردم، (شماره۵۹)، ۳۹-۴۴.
- بروس میتفورد، میراندا (۱۳۸۸). فرهنگ مصور نمادها و نشانه‌ها در جهان، ترجمه ابوالقاسم دادور، تهران: کلهر.
- پوپ، آرتور؛ اکرمن، فیلیس(۱۳۸۷). سیری در هنر ایران از دوران پیش از تاریخ تا به امروز، فرش‌بافی و فلزکاری هنرهای فرعی آرایه‌های و موسیقی، چاپ اول، ج۶ تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- پورداوود، ابراهیم (۱۳۷۷). یشت ها، ج۱، تهران: اساطیر.
- تاورنیه، ژان باتیست (۱۳۳۶). سفرنامه ، ترجمه ابوتراب نوری، اصفهان:کتاب‌فروشی تائید اصفهان.
- جدی، محمدجواد (۱۳۸۷). مهر و حکاکی در ایران، تهران: فرهنگستان هنر.
- خلیلی، ناصر(۱۳۲۶). مجموعه هنر اسلامی(انگشتری ها). ج۲، تهران: نشر کارنگ.
- دهخدا، علی اکبر(۱۳۷۷). لغت نامه دهخدا، زیر نظر محمد معین و سید جعفر شهیدی، تهران: موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- دیماوند، س.م (۱۳۶۵). راهنمایی صنایع دستی، ترجمه عبدالله فریار، تهران: علمی و فرهنگی.
- رنجبران تهرانی، علی‌اکبر (۱۳۸۴). انگشتر در تاریخ انبیا و اولیا، فرهنگ کوثر، (شماره۶۴)، ۳۶-۴۰.
- زکی، محمدحسن (۱۳۶۳). تاریخ صنایع ایران بعد از اسلام، ترجمه: محمدعلی خلیلی، تهران: اقبال.

- سلطانیه، افروغ (۱۳۷۴). انگشتری و کاربردهای آن، فرهنگ، (شماره۱۶)، ۱۹۳-۲۰۳.
- سمسار، محمدحسن (۱۳۴۰). مهرهایی از پادشاهان، شاهزادگان و سرداران صفوی، مجله هنر و مردم، تهران: اداره کل روابط فرهنگی وزارت فرهنگ و هنر، دوره ۸، (شماره۹۸)، ۶-۱۹.
- شاردن، جان (۱۳۳۶). سفرنامه، ترجمه محمد عباسی، ج۱۰، تهران: امیرکبیر.
- شراتو، امبرتو؛ گروبه، ارنست(۱۳۷۴)، هنر ایلخانی و تیموری، ترجمه یعقوب آژند، چاپ دوم، تهران: مولی.
- صفائی تهرانی، مهوش(۱۳۷۷)، «بررسی تطبیقی زیورآلات هند و ایران»، کارشناسی ارشد پژوهش هنر، دانشگاه هنر تهران، دانشکده هنرهای کاربردی.
- طوسی، خواجه‌نصیرالدین(۱۳۶۳). تنسوخ نامه ایلخانی، محمدتقی مدرس رضوی، تهران: انتشارات اطلاعات.
- علیزاده میرار کلائی، سمیه؛ حاتم، غلامعلی(۱۳۹۱). بررسی تطبیقی هنر ملیله سازی قبل و بعد از اسلام در ایران، دو فصلنامه مطالعات تطبیقی هنر، ۱۲۹-۱۱۹.
- علیئی،زهرا(۱۳۹۰). «بررسی نقش نمادین یشم در هنر و صنایع دستی چین و جایگاه آن در ایران»، کارشناسی ارشد صنایع دستی، دانشگاه اصفهان، دانشکده هنرهای تجسمی و کاربردی.
- فریه، ر. دبلیو(۱۳۷۴). هنرهای ایران، ترجمه، پرویز مرزبان،چاپ اول، تهران: پژوهش فرزان روز.
- فراحمدی، نوشین(۱۳۹۱). فیروزه، چاپ اول، تهران: پارینه.
- کونل، ارنست(۱۳۶۸). هنر اسلامی، ترجمه مهندس هوشنگ طاهری، مشهد: توس.
- کویاجی،جس سی (۱۳۵۳). آئین‌ها و افسانه‌های چین باستان،ترجمه جلیل دوست خواه، تهران: فرانکلین.
- گلدک، جی(۱۳۵۵). سیری در صنایع دستی ایران، تهران: بانک ملی.
- میرزا ابوالقاسمی، محمدصادق؛ شیرازی، علی‌اصغر(۱۳۸۸). آداب مهر در اسناد و مکاتبات دیوانی در دوره اسلامی (ایلخانان و صفویان)، نگره، ۷۰-۶۳.
- همایون فرخ، رکن‌الدین(۱۳۴۹). مهرها و نشانه‌های استوان های ایران باستان، هنر و مردم، (شماره۲۵)،۲۹-۱۷.
- همدانی، محمدابن محمود (۱۳۷۵). عجایب نامه، جعفر مدرس صادقی، تهران: نشر مرکز.
- وارد، ریمپل (۱۳۸۴). فلزکاری اسلامی، ترجمه مهناز شایسته فر، تهران: مطالعات هنر اسلامی.
- ونزل، ماریان (۱۳۸۶). انگشتری‌ها، ترجمه غلامحسین علی مازندرانی، تهران: کارنگ.
- مین،وی.بی؛ تشنگام،ای.دی (۱۳۵۵). جواهرات سلطنتی، ترجمه مهرداد نبیعی، تهران: انتشارات بانک مرکزی ایران و فراکلین.
- نفیسی، علی اکبر(۱۳۴۳). فرهنگ نفیسی، تهران: خیام.
- فراست، مریم (۱۳۸۴). بررسی مضامین خط نگاره‌های شمعدان‌ها و قندیل‌های دوران صفوی، موزه‌ی ملی، مطالعات هنر اسلامی، (شماره۳)، ۶۱-۷۶.
- صفوی، سام‌میرزا (۱۳۴۷). تحفه سامی، به کوشش رکن الدین همایونفرخ، تهران: علمی.
- محفوظی، محمدصادق (۱۳۹۵). مرکز دایره المعارف انسان شناسی موزه نسخ خطی و آثار فرهنگی هنری دکتر محمد صادق محفوظی، تهران.
- موسوی‌نیا، سیدمهدی؛ عبدالهی، محمدجواد (۱۳۹۰). بررسی برخی مهرهای مکشوفه دوره صفوی(موجود در موزه ایران باستان)، اسناد بهارستان، (شماره۳)، ۳۵۷-۳۴۵.

- Allan,James(1982).Nishapur Metalwork Of The Early Islamic Period.The Metropolitan Museum Of Art:New York.
- Content,J.Derek(1987). *Islamic ring & gems*: The Benjamin zucker collection،Philip Wilson publishers limited, London.
- Dalton,O.M,(1912). Franks Bequest,Catalogue Of The Finger Rings,Early Christian, Byzantine

And Later,Bequeathed By Sir Augustus Woolaston Franks.The British Museum,Bmp:London.

- Ferrier.R.W(1989).*The Arts Of Persia*, New Haven And London.
- Jenkins-Madina, Marilyn & Manuel Keene(1983). *Islamic Jewelry in the Metropolitan Museum of Art*. New York: Metropolitan Museum of Art.
- khalili, Nasser D(2006). Islamic art and culture, Woodstock: Overlook Press.
- Melikian-Chirvani, Assadullah Souren(1986). Islamic metalwork from Iranian world, 8th-18thcenturies, London :Victoria & Albert Museum.
- Spink, Michael & Jack Ogden(2013).*The Art of Adornment; Jewellery of the Islamic Lands*. Part I and Part II. London: Nour Foundation.
- Wenzel, Marian(1993). *Ornament and Amulet*: *Rings of the Islamic Lands*. New York: Nour Foundation in association with Azimuth Editions and Oxford University Press.
- Werner, Edward Theodore Chalmers(2005). *Myths and Legends of China*. London: Hellingman Press.
- WWW.BRITISHMUSEUM.ORG

Received: 2020/05/17
Accepted: 2021/09/22

A study of the evolution of rings in the Seljuk, Timurid and Safavid periods

Alireza Shaykhi, Associate professor, Handicraft department, Applied Arts Faculty, Art University, Tehran, Iran.
Elaheh Rezanejad yazdi, MA in History, Islamic Azad University,, Mashhad, Iran.
Atiyeh Jahanian, MA in Islamic Art, Ferdows Institute of Higher Education, Mashhad, Iran

Abstract
Rings have evolved over the centuries with various functions, such as ring, decorative, religious or religious, in people's lives. Rings are one of the exquisite and valuable examples in the art of metalworking that have been made in a variety of forms with a particular style in Iranian history. The present study seeks to identify the form, technique and ornamentation of the rings in three periods of Seljuk, Timurid, and Safavid studies by examining the remnants of rings. So what has the evolution of the rings seen in the form and structure of these three historical periods? And the motifs and inscriptions used reflect what social and religious change in the society at that time? The research approach is qualitative and the research method is descriptive and analytical. Information has been collected by library method, reference to written sources and field method. Qualitative or purposeful sampling method was used for analyzing and achieving the results. Sixty-four rings were studied: twenty-two rings from the Seljuk period, twenty-three rings from the Timurid period, and nineteen rings from the Safavid period
The investigations made in this research show that the rings in the Seljuk era were a mixture of Sassanid art and Turkish culture dominated by exquisite styles and geometrical forms with delicate animal and human motifs that were very new to the Islamic period and the techniques of construction Casting and sheeting were popular. The Timurid era is an emerging era in making rings with new styles in the Islamic era. The cultural exchanges between China and the Timurid court conveyed elements such as the role of the dragon and the jade stone, then its entry into the art of making the rings of this age and the combination and application of the two (dragon, jade) to create one of the symbols of the power of this lightweight Marie or Became a dragon. Inscriptions in ornamentation of the Timurid rings show a simplification of ornamentation. The inscriptions carved in this period are often in Kufic script and contain themes such as divine names, names of imams and Persian poems that illustrate the influence of this valuable art on social developments and attention to objects. And there is an Iranian in Timurid rule. The light-hearted indentations and the use of jade stone with the inscriptions of persons and claims made their mark on the rings of this period. The Safavid era can be seen from the perspective of Timurid art in the making of a ring with the same style and past, but in the midst of this era, European trade and the presence of European jewelers in court and acquiring experience and knowledge of jewelery techniques had little effect on this Iranian art. Negin Turquoise was very welcomed in this era, and the historiography, the name of the engravers and the names of the Imams became very common, emphasizing the name of Imam Ali (PBUH). In this age, the third and nastaliq lines are abundantly displayed in the ornaments of rings.

Keywords: Ring, Seljuk, Timurid, Safavid, form